

آینده پژوهی رقابت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

محمد آقاعلیخانی^۱، اصغر پرتوی *^۲ مهدی ذاکریان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

چکیده: مفهوم توسعه در جمهوری اسلامی ایران بر پایه رقابت‌ها و مشارکت‌ها نهادینه شده است، و توجه به آینده این دو عامل نشان‌دهنده قوت یا ضعف در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. مشارکت افزایشی، به‌عنوان روندی چندبعدی از مؤلفه‌های زیادی تأثیر پذیرفته یا بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که تحقق آن، مستلزم کار گروهی، ثبات بخشی فکری - رویه‌ای کارگزاران نظام، نسبت به روندهای مثبت تأثیرگذار و هم‌افزایی بهینه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های بالقوه و بالفعل است. لذا سؤال مقاله حاضر این است که چه راهبردهای آینده‌پژوهانه‌ای در جهت افزایش رقابت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ تحقیق حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی با رویکرد آینده‌پژوهی، با استفاده از روش سناریو پردازی است. یافته‌ها حکایت از سناریو پردازی در قبال آینده‌ای مطلوب در برابر جامعه مدنی نسبت به مشارکت سیاسی دارد؛ که شامل سناریوی ممکن؛ سناریوی محتمل؛ سناریو آینده مطلوب اشاره نمود.

واژگان اصلی: آینده‌پژوهی، رقابت سیاسی، مشارکت سیاسی، انتخابات، ایران، توسعه.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (m.agaalikhani@gmail.com)

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول). (asghar.partovi@iauz.ac.ir)

^۳ دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (m-zakerian@srbiau.ac.ir)

مقدمه

آرمان تساوی بشر در قوانین طبیعی و مدنی، در همه جوامع و چشم‌اندازهای سیاسی - اجتماعی روشن و به شکل یک اهمیت سیاسی بنیادین در آمده است. سیستم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران هم بر دو بنیان جمهوریت و اسلامیت تأسیس گشته است. در صورتی که وجه اسلامیت، این سیستم را از دیگر سیستم‌های سیاسی جهان برجسته می‌نماید؛ اما نقطه تلاقی با سیستم‌های دموکراتیک، جمهوریت سیستم خواهد بود. جمهوری اسلامی با ایستادگی بر شراکت شهروندان در حیطه‌های گوناگون، مردمی بودن خود را، اثبات نموده است. همکاری حقیقی انتخاباتی در مقطع‌های گوناگون تاریخ انقلاب، شکل پراهمیتی در تحول‌های سیاسی کشور داشته و اصلی‌ترین سازوکار همکاری شهروندان هم بوده است. انتخابات مسیری برای رقابت و چالش‌های جناحی و گروهی، وسیله‌ای برای توضیح توقعات و مشخص شدن موضع‌های اشخاص و همچنین طرحی برای تلاقی نهادهای درگیر سیستم سیاسی در قضیه انتخابات بوده است. حضور در انتخابات یکی از نمادهایی می‌باشد که همکاری سیاسی شهروندان در تصمیم‌گیری و ساخت آینده آن‌ها را رقم می‌زند.

مورد دیگر این که رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی، به طور معمول با بحران‌های سیاسی همراه می‌باشد و این موضوع ریشه در بینش عمومی و مقدار پیشرفت سیاسی جامعه جمهوری اسلامی دارد که ضروری است در آغاز به طور مختصر، به خصوصیت‌های دسته‌های فعال سیاسی از منظر محققان سیاسی کشورمان اشاره نماییم:

- دسته‌های سیاسی در جمهوری اسلامی به طور عمده دارای شفافیت و دارای شناسنامه نیستند؛ به این معنا که مرامنامه و اساسنامه معینی ندارند، ولی کلیه عملکردها و حکمت وجودی یک حزب را که کسب قدرت می‌باشد، پیگیری می‌نمایند.

- دسته‌های سیاسی که فعلاً در جامعه با آن‌ها مقابل هستیم، به‌طور عمده هویتشان بر واگرایی می‌باشد نه هم‌گرایی؛ به این معنا که؛ جریان حاکم اکثر اوقات به این شکل است که اصولاً تشکیلی تأسیس می‌گردد تا در صحنه سیاست، یک تشکل سیاسی دیگر را باطل یا جایگاه آن را تنگ نماید. بدین جهت می‌توان مشاهده نمود که با محدود تمایز نظر و سلیقه‌ای، تنش بزرگ ایجاد می‌گردد.

- در جمهوری اسلامی به طور عمده، قبل از آنکه ما با یک رقابت سیاسی به‌درستی تشریح گشته در زمینه تحول‌های کشوری مواجه باشیم، با یک گونه قبیله‌گرایی مواجه خواهیم بود. ویژگی قبیله‌گرایی این می‌باشد که هرکسی در قبیله من باشد برای او نوعی ایمنی شکل می‌گیرد؛ حال چه صحیح بگوید یا اشتباه، تفاوت ندارد. بالعکس، هرکسی که در قبیله من نباشد، منشأ کلیه فسادها،

بدی‌ها و پلیدی‌ها خواهد بود.

- چشم‌پوشی از آداب حاکم بر حیطة رقابت سیاسی به تنش و درگیری دامن خواهد زد. در همین عرصه، بایستی به لزوم مراعات رفتارهای اجتماعی حاکم هم تأکید نمود که ملاحظه آن‌ها برای یک رقابت سالم الزامی می‌باشد. (شمیرانی، ۱۳۸۷: ۲۰۸)

اما آنچه مقاله حاضر بر آن تأکید بیشتری خواهد داشت، آینده‌نگری در مسئله رقابت و مشارکت سیاسی است؛ ارزش شکل آینده به مقداری است که آینده‌پژوهانی مثل جیمز دیتور و فرد پُلاک بر این ادعا تأکید دارند که شکل آتیه سنگ بنای آینده‌پژوهی خواهد بود و در شرایطی که نهاد، ملت و تمدنی تصویری از آتیه نداشته باشد، به شکست محکوم خواهد شد.

۱. بیان مسئله

از آغاز تکوین اولین تفکرها و تئوری‌های سیاسی، تصویرپردازی در خصوص آینده به جهت برون‌رفت از وضع حاضر و رسیدن به وضع قابل قبول، دائماً مورد نگرش فیلسوف‌های سیاسی بوده است. معنی یوتوپیا که در ادب فارسی از آن به آرمان‌شهر و ناکجاآباد یاد گشته است، یکی از اصلی‌ترین مطالب وابسته با تصویر آینده مناسب، بوده است. به عقیده توماس اسپریگنز، آرمان‌شهر مجسم‌سازی عالم و تئورسین علم سیاست از جامعه نوسازی گشته است و نشان‌دهنده آینده خواهد بود. اسپرینگر تأکید می‌نماید که تئوری پرداز علم سیاست رها نخواهد بود که در تصورات شیرین غرق گردد. به بیانی مشخص‌تر، این آینده‌اندیشی از جنس خیال‌پردازی و رویاگرایی نخواهد بود، بلکه به شدت با واقعیت‌ها در ارتباط است. به بیانی واضح‌تر، شکل آینده بایستی فرافکنی امکانات حقیقی و خصوصیت‌های واقعی زندگی بشری باشد؛ یعنی بر زندگی حقیقی اشخاص در جامعه نهادینه گردد. (اسپریگنز، ۱۳۹۹: ۱۴۲-۱۴۳)

به همین جهت، هارولد لاسول، از پیشگامان علم سیاست، اقتضا تصویرپردازی در عرصه علوم سیاسی را به منزله قدمی پراهمیت در رسیدن به آینده مطلوب، مورد بحث می‌گذارد. او برای پیشبرد قصد خویش یعنی آمیختگی بین علوم سیاسی با آینده‌پژوهی، ۴ شرط پایین را یادآوری می‌کند:

مشخص نمودن هدف‌ها و ارزش‌ها؛

تشریح جریان‌ها؛

توصیف شرایط؛

تصویرپردازی آتیه‌های محتمل و امکان‌پذیر در شرایط استمرار خط‌مشی‌های کنونی؛ (Bell, 2003:

49). جامعه مدنی سبب شناخت اجتماع و ساخت‌های آن به اعضای خویش و نهایتاً توده‌ها می‌گردد و بدین حالت به‌عنوان علت جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی تصویر قابل‌ملاحظه‌ای در تمهید اشخاص در تصمیم‌گیری‌ها و انتخابات دارند. جامعه مدنی با دریافت درخواست‌ها و توقع‌ها از بافت اجتماعی، افزون بر اینکه آن را به سطح‌های بالا و دولت منعکس می‌نماید، با اصلاح و متعادل‌سازی این درخواست‌ها، آن را عقلایی نموده و بدین حالت سبب توسعه بینش جمعی و ارتقاء آگاهی اشخاص جامعه خواهد شد.

در شرایطی که نقش و مأموریت جامعه مدنی در رویش و پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک ملت و کشور انکارناپذیر می‌باشد؛ ولی در جمهوری اسلامی نتوانسته است از جایگاهی حقیقی بهره‌مند باشد و وظیفه تاریخی خویش را ادا نماید. یک‌صد سال قبل از این دوران، مفاهیمی مثل حاکمیت قانون، برابری، مشارکت سیاسی و ... به مانند هدف‌های بنیادین جامعه مدنی، تحرکی را در ایران به وجود آورد که انقلاب مشروطه نام‌گذاری گشت و در آن دوران، موضوعاتی در عرصه مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت این مفهوم‌ها به‌وسیله مخالفین و موافقین آن مورد بحث گذاشته شد.

یک‌صد سال بعد از آن دوران، برای چندمین دفعه، این مفهوم‌ها به‌مانند ایده‌آل‌های بنیادین اجتماع، قدرت و سببی را در ایران رها نمود که آن را خرداد ۱۳۷۶ نام نهادند. یک‌صد سال در ایران چه اتفاقی افتاده است که اجتماع ما هم چنان در معین‌سازی مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن مفهوم‌ها جا مانده است، ولی نهاد ناخودآگاه اجتماع، علیرغم نسخ این مفهوم‌ها در عمل، روبه قبول آن‌ها دارد و در دوران‌های مکرر، به رها نمودن استعدادهای در خود خفته خویش مبادرت می‌نماید و بعد از آن آرام می‌گیرد و این سیر پیوسته در حال تحرک و تکرار است. وقایع سیاسی یک‌صد سال گذشته به‌صورت مکرر ناظر بر تحرک معنادار گردش دوره‌ای کوتاه از آسودگی و سکون (آرامش گورستانی به تفسیر منتسکیو) و دوران آشوب، انقلاب، و رها شدن ناگهانی توان‌ها بوده است. همین تحلیل‌ها به رویدادهای رقابتی و مشارکتی شهروندان در چند سال اخیر نیز تبدیل شده است و آینده‌نگری نسبت به این موضوع از نظر نگارنده ضرورتی لازم در جهت تقویت بنیان توسعه و دموکراسی در کشور است؛ به همین دلیل مقاله حاضر سعی بر آن خواهد داشت، تا با نگاهی بر موضوع رقابت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی، سناریوهای مختلف در مورد نوع رقابت و مشارکت در آینده را مورد تحلیل قرار دهد.

مروری بر کتاب ها و مقالات مرتبط با موضوع نشان می دهد که بیشتر تمرکز آنها بر جنبه های مشارکت سیاسی از رویکرد توصیفی - تاریخی بوده است. لذا وجه تمایز و - نوآوری پژوهش حاضر آن است که با بهره گیری از رویکرد آینده پژوهی رقابت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می باشد. اگرچه در بحث آینده پژوهی کمتر به موضوع حاضر پرداخته شده است اما با مطالعه منابع مرتبط، به چند مورد از منابع مهمی که در این زمینه وجود دارد، اشاره می شود.

خواجه سروی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان؛ مورد مطالعه: مشارکت قوم ترکمن در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری معتقدند که ویژگی های شخصیتی نامزد، انتظارات انتخاباتی، اثرپذیری از معتمدان سیاسی - دینی، قرابت با ایدئولوژی های مذهبی - قومی، روند تحولات جهانی منطقه و شبکه های مجازی، بیشترین تأثیر را در رأی دهی قوم ترکمن به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری داشت. همچنین یافته های حاصل از رتبه بندی نشان می دهد به ترتیب، انتظارات انتخاباتی، قرابت با ایدئولوژی های مذهبی، عوامل تاریخی، روند تحولات جهانی - منطقه، اثرپذیری از معتمدان سیاسی - دینی، ویژگی های شخصیتی نامزد و شبکه های مجازی بیشترین نقش را در تمایل قوم ترکمن به گفتمان اعتدال داشت.

اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله ای تحت عنوان « آینده پژوهی توسعه سیاسی در ایران بر مبنای تحلیل بازدارنده ها » معتقدند که برای کاهش تأثیر بازدارنده های توسعه سیاسی بر روند شکل گرفته، تقویت پیشران هایی که فرایند توسعه را در جامعه ایرانی نهادینه می کنند، ضرورت دارد. همچنین توجه به شاخص هایی همانند ترویج تفکر توسعه خواهی با نهادینه کردن آن با آموزش در همه مقاطع، به عنوان سنگ بنای توسعه همه جانبه کشور، و معین کردن سرفصل های مربوط به توسعه سیاسی در برنامه ریزی های توسعه و اهتمام دولت و ملت به آنها، می توانند مشکلات پیش روی توسعه سیاسی کشور را برطرف کنند و روند دستیابی به آن را سرعت بخشند.

مولایی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله ای تحت عنوان « آینده پژوهی انتخابات ایران و تحولات قدرت در جامعه شبکه ای دستاوردهای دیده بانی شبکه های اجتماعی مجازی » معتقدند تقریباً در تمام پژوهش های آینده پژوهی، دیده بانی (پایش و پویش) مقدمه لازم تلقی می شود. از طریق دیده بانی مناسب وقایعی که احتمال رخ دادن آنها وجود دارد مورد بررسی قرار گرفته و آسیب پذیری و غافل

گیری کاهش خواهد یافت. انتخابات، همواره یکی از مهم‌ترین فضاهای عدم قطعیت در کشور ایران بوده است. هریک از دوره‌های انتخاباتی ایران پس از انقلاب با شگفتی‌سازي همراه بوده است و دیده‌بانی فضای کنونی این احتمال را تقویت می‌کند که مؤلفه شگفتی‌ساز انتخابات آتی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باشد.

امیری و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «آینده پژوهی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت انتخاباتی جوانان در انتخابات ریاست جمهوری» معتقدند به رغم توجه به سایر متغیرهای موثر بر حضور و مشارکت جوانان در انتخابات ریاست جمهوری، هدف این پژوهش آینده‌پژوهی عوامل موثر بر مشارکت انتخاباتی جوانان در انتخابات ریاست جمهوری بر مبنای بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت انتخاباتی جوانان در انتخابات دوره یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری می‌باشد. با توجه به حجم نمونه، ۳۸۴ عدد پرسشنامه تهیه و جهت جمع‌آوری اطلاعات در اختیار افرادی که به حسن روحانی رای داده بودند قرار گرفت. با تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر اساس داده‌های گردآوری شده با استفاده از تکنیک‌های آماری این نتیجه حاصل شد که پخش برنامه‌های ویژه انتخابات از تلویزیون در حد متوسط سبب تغییر عقیده رأی‌دهندگان جهت مشارکت در انتخابات شده است.

۳. چارچوب نظری

بحث پیرامون یک مطلب نیاز به آشنایی و مشخص شدن بنیان‌های آن سوژه دارد تا بدین نحو بیش‌نسبی حول محور مطالعه حاصل گشته و خواننده قابلیت وارد شدن به بحث اصلی را پیدا نماید. بنیان‌های مبحث مورد مطالعه از ارزش بنیادین برخوردار است و بدون آشنایی ضروری با اصطلاحات آن، مطلوب موردنظر به دست نمی‌آید. در این قسمت به مبانی مورد نیاز مقاله که زیر بنای قسمت‌های بعدی را تشکیل می‌دهد، اشاره خواهد شد.

۳-۱- رقابت سیاسی

به طور پیوسته از رقابت سیاسی به همزاد با مشارکت سیاسی یادآوری می‌گردد و میان آن دو تفکیکی ایجاد نمی‌شود. در متن‌های مختلفی که در این مورد به رشته نگارش درآمده؛ یکی بایسته دیگری دانسته شده و واقعیت یابی یکی بدون دیگری ناشدنی قلمداد گشته است. همچنین به زمان طرح موضوع دستگاه‌های انتخاباتی، یعنی حزب‌های سیاسی، از رقابت سیاسی سخن به میان آمده و گویا رفتارها و عکس‌العمل‌های احزاب سیاسی در ساماندهی سیاسی امور عین رقابت سیاسی دانسته شده است. افزون بر این، آنچه در این مورد به رشته نگارش درآمده است، به طور عمومی مقومات،

مبادی، متفرعات، مجموعه‌ها و ملزومات رقابت سیاسی را مورد توجه قرار داده است. (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۸۹) بساکه وضوح تعبیر رقابت سیاسی سبب بی‌نیازی از توصیف آن باشد یا احتمالاً برای اینکه با وجود مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی شکلی عملیاتی داشته، تصور حاضر در مورد آن، عینی تشریح گشته و افزون‌تر به توصیف مشارکت سیاسی عنایت گشته است. به‌عنوان نمونه مایرون واینر ضمن ۱۰ تعریفی که از مشارکت سیاسی به عمل آورده توصیف زیر را برگزیده است:

«هرگونه کنش داوطلبانه، موفق یا ناکام، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، دوره‌ای یا پیوسته که برای تأثیرگذاری بر انتخابات خط‌مشی‌های همگانی، رهبری امور عام یا انتصاب رهبران سیاسی در سطح‌های گوناگون حکومتی اعم از محلی و ملی، طریقه‌های رسمی یا غیرقانونی را به کار گیرد» (پای، ۱۳۸۰: ۲۴۴-۲۴۳). توصیف واینر تا حد بسیاری با جوهره رقابت سیاسی سازگاری دارد. در حقیقت مقصود از رقابت سیاسی هم چیزی جز نوعی تأثیرگذاری بر سیاست کشور یا قدرت سیاسی نخواهد بود. به همین دلیل می‌توان رقابت سیاسی را تورنمندی تصور نمود که برای تصرف و حفظ قدرت سیاسی به وسیله کنشگران سیاسی صورت خواهد گرفت. (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۹۰)

در مورد این‌گونه تشریح از رقابت سیاسی نکته‌هایی شایسته یادآوری است: نخست: رقابت سیاسی در طول دوران، بخصوص در جهان غرب دچار تغییرهایی گشته است؛ از تندخویی در زمان ماقبل نوین به مسالمت‌آمیز و مبتنی بر مذاکره محور بودن در دوره نوین، از وضعیت فرار از مرکز داشتن به وضعیت معطوف به مرکز گشتن، از حالت بیرون سیستمی داشتن به درون سیستمی گشتن، از گروهی و توده‌ای بودن به نهادی و قانون‌مند گشتن، از هویتی شدن به اقتصادی و اجتماعی گشتن، از فعالیت برای حصول صرف به منفعت‌ها؛ به تکاپو برای شکل‌گیری شایسته‌سالاری در امر حکومت؛ تغییر یافته است. (ایوبی، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

این دگرگونی را در جدول پایین می‌توان جای گذاری نمود:

مدرن	ماقبل مدرن
مسالمت‌آمیز	خشن
متماایل به مرکز	گریز از مرکز
درون سیستمی	بیرون سیستمی

قانون مند و نهادی	جمعی و توده‌ای
اقتصادی و اجتماعی	هویتی
هدف: تحقق شایسته‌سالاری	هدف: کسب صرف منافع

(منبع: نگارنده)

به صورت کلی در این دگرگونی پراهمیت دو علت بنیادین نقش داشته‌اند: از یک طرف در سیستم‌های سیاسی با تحول آن‌ها از بسته (قطع رابطه آن‌ها با پیرامون سیاسی) به باز (ایجاد رابطه با پیرامون) دگرگونی‌های بنیادین حاصل گشته و از سویی دیگر، گونه مطالبات اجتماعی از هویتی به اقتصادی و اجتماعی تحول یافته است که به نوبه خود، برآیند مطالبات را از اختناق و تندخویی به مذاکره، رقابت مسالمت‌آمیز و پاسخ‌گویی تبدیل کرده است. دوم: برای عملیاتی گشتن این گونه رقابت‌ها، وجود پیش شرط‌های زیر ضروری خواهد بود:



(منبع: نگارنده)

تکثر سیاسی برابر قبول گوناگونی و تفاوت و تشریح سیاست به مثابه بازی است که در آن مجموعه‌های مختلف و گوناگون به مرتبه دو تیم در رو به روی یکدیگر قرار می‌گیرند، هدفشان حصول به موفقیت است، به آداب بازی احترام می‌گذارند و بر آن اجماع دارند. اجماع درباره قاعده‌های بازی، پراکندگی حاصل از تکثر را تنظیم می‌نماید. موفقیت در بازی، به این حالت، از یک

طرف به هماهنگی (اجماع روی قاعده‌های بازی) و از طرف دیگر به جدال وابسته است. (اپتر، ۱۳۷۸: ۱۴۸)

حاصل جمع بازی هم امکان دارد صفر (برد تمام یک گروه در برابر باخت تمام گروه دیگر)، منفی (باخت هر دو گروه به مفهوم از دست رفتن مجال‌های سیاسی برای هر دو گروه، طوری که وضعیت آن‌ها پس از انتهای بازی بدتر از زمان قبل از آغاز بازی باشد) (و مثبت) موفقیت نسبی هر دو گروه به مفهوم حصول هر دو گروه به قسمتی از ادعاهای خویش پس از انتها بازی باشد که مطلوب، موضوع اخیر (حاصل جمع مثبت) خواهد بود. (اپتر، ۱۳۷۸: ۱۴۸)

آزادی (رسمی و حقیقی) لازمه رقابت سیاسی می‌باشد. این‌گونه آزادی طرح درستی است که در آن قبول حق تکاپو آزادانه برای تمام کنشگران سیاسی به رسمیت شناخته می‌گردد. به این آزادی، آزادی در چارچوب هم گفته می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۹۹)

اقتدار لازمه رقابت سیاسی می‌باشد، برای اینکه با قبول ازدیاد، قدرت سیاسی پراکنده خواهد شد و مرکزهای متعددی در معین‌سازی خط‌مشی قدرت ملی تأثیر می‌گذارند؛ حفظ سامان در پراکندگی قدرت لازمه وجود دولتی قوی می‌باشد. دولتی قوی خواهد بود که در مرتبه ایستادگی و استمرار حیات خویش مورد تهاجم تنش‌های شدید (علی‌الخصوص بحران مشروعیت) قرار نداشته، موجودیت آن اثبات گشته و در ایفای کار ویژه‌های بنیادی خویش از کاربرد و کارآمدی ضروری بهره‌مند باشد. تنها این‌گونه دولتی، استطاعت لازم را داراست تا اجرای طرح متفرق‌سازی قدرت و احداث شبکه وار قدرت را اعمال نماید و حراست از موجودیت سیستم سیاسی را هم شکل دهد. در غیر این شرایط، قبول رقابت سیاسی برابر با فروپاشی سیستم سیاسی خواهد بود. (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۹۲)

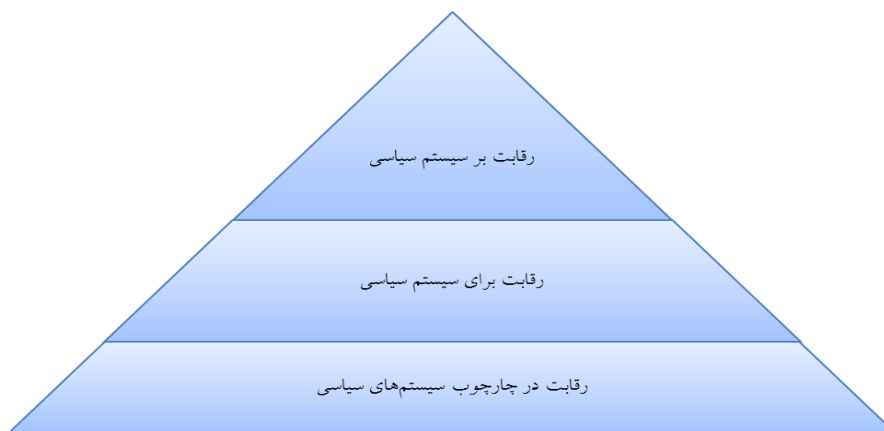
میان‌بینش رقابت، نهادمندی و رقابت سیاسی ارتباطی پایدار وجود دارد. فرهنگ رقابت زمینه اجتماعی فرهنگی پیدایش و رویش نهادهای اثرگذار بر عرصه تحركات سیاسی و حفظ عملکرد آن‌ها را آسان می‌نماید. وجود باثبات نهادهای مذکور هم رقابت سیاسی را شروع و استمرار عادی آن را میان نیروهای سیاسی حریف تضمین می‌نماید.

سوم: رقابت سیاسی هدف مورد بررسی، میان دو گروه از سه گروه سیاسی حاضر در اکثر جوامع جریان می‌یابد. این سه گروه عبارتند از:

(نیروی سیاسی در دولت که آن را خودی می‌نامند. این گروه که در قدرت سیاسی هستند، دسته‌هایی

را مشتمل می‌گردند که نظارت بر دولت را در دست دارند. وجود تفاوت میان دسته‌های این نیرو نفی شده نیست ولی این تضاد با عدم اشاعه به مجموعه‌های سیستم سیاسی به هیچ صورتی، وضعیت ریشه‌ای نداشته و بیشتر تضاد سلیقه در امور سیاست‌گذاری، سیاست‌سازی و اجرائیات را دربر می‌گیرد. دومین گروه مخالف اوپوزیسیون قانونی نامیده می‌شود که همسو با دولت می‌باشد؛ ولی در داخل دولت و قدرت سیاسی نخواهند بود. دسته‌های شکل‌دهنده این گروه با سیاستمداران، مجریان و بعضی خط‌مشی‌ها مخالف‌اند ولی مخالفتشان به مبادی کلی و اصول مشروعیت سیستم سیاسی بر نمی‌گردد. این گروه به مبارزه‌ای سیاسی با مقصود حصول به قدرت دست می‌زند و در برابر نیروی نخست‌گروه دوم رقابت را شکل می‌دهند. سومین گروه که مخالف و معاند سیاسی به حساب می‌آیند؛ جدال با نظام را پیگیری می‌نمایند، هم متخاصم با اصل نظام هستند و هم با مجریان و سیاستمداران حاکم اختلاف دارند. این گروه که هدفش کودتا است بخشی از گروه‌های رقابت سیاسی نیست». (دوورژه، ۱۳۹۶: ۴۲۴)

چهارم: رقابت سیاسی مقصود ما فقط با یک مدل از سه مدل حاضر رقابت سیاسی سنخیت تام دارد. سه مدل رقابت سیاسی عبارت‌اند از:



(منبع: نگارنده)

در مدل اول قلمرو رقابت سیاسی به حدی باز می‌باشد که تمام بعدها زندگی سیاسی را شامل می‌شود و برآیند آن فروپاشی سیستم سیاسی خواهد بود. همان‌گونه که گروه سیاسی دشمن در عرصه رقابت سیاسی موقعیتی ندارد، این مدل رقابت سیاسی هم در یک سیستم سیاسی پایدار به رسمیت شناخته نمی‌شود. در مدل دوم، اعتبار بنیادین به توانایی سیستم داده می‌شود و رقابت سیاسی

به‌عنوان اهمیت ثانوی مورد بحث قرار می‌گیرد و هنگامی رقابت سیاسی واجب می‌گردد که خصلت اقتدارگرایی سیستم سیاسی آن را اقتضا نماید. این مدل رقابت مخصوص سیستم‌های سیاسی اقتدارگرا (مثل رژیم شاه ایران) می‌باشد که زیست سیاسی خویش را در پیگیری راه‌ها و خصلت‌های اقتدارگرایانه می‌داند. این مدل هم به علت آلت‌دست، فرمایشی و صوری بودن رقابت در آن مناسب نخواهد بود. مدل سوم که رقابت سیاسی در چارچوب مشهور است دارای ۶ فرض می‌باشد:

- سیستم سیاسی هدف، در این مدل قانونی و پذیرفتنی است و با خواست شهروندان روی کار آمده است؛

- داده‌های قانون اساسی این سیستم سیاسی عکس‌العمل تقاضای قلبی شهروندان است که برپایی آن رژیم را سبب گشته‌اند؛

- بنیان‌های این سیستم به عقیده مردم عقلایی و منطقی است، به‌صورت درست در جایگاه خویش قرار دارد و دگرگونی آن‌ها نامقبول محسوب می‌شود؛

- رهبری امور کشور در این سیستم به اتکای آرای همگانی است که این به خودی خود، بازگوکننده تأثیر حقیقی رقابت سیاسی بر سیاست‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌ها در این سیستم است؛

- ضرورت بقای این سیستم سیاسی در حافظه گروه‌های رقیب امری مسلم و اجتماعی است، هیچ نوع بن بست در مسیر ابقای سیستم سیاسی وجود ندارد و قانون اساسی مسیرهای ابقای سیستم را به حالت همگانی ترسیم نموده است؛

- حدود رقابت و مشارکت سیاسی روشن گشته و بر آن سازش همگانی وجود دارد. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۷۷)

بدین حالت، مدل سوم که با کار ویژه گروه نخست و دوم یاد شده مطابقت تام دارد، مدلی است میانه که در آن برای رقابت سیاسی حد و مرزی وجود خواهد داشت که کنشگران سیاسی احتمال تخطی به ماورای آن را ندارند. این مدل به علت اینکه توانایی شرعی و رسمی تصاحب و حفظ قدرت سیاسی را مهیا می‌سازد، مناسب است.

۳-۲- مشارکت سیاسی

شکل‌گیری هرگونه عملی، نیاز به کسب آگاهی و آموزش درباره آن است؛ اما هر آموزشی، به طور الزامی منتج به ظهور رفتار نخواهد شد. پارسونز در مطلب اجتماعی گشتن افراد می‌گوید: «انسان در

قسمت ارگانیزم سه گرایش خام داراست. گرایش ادراکی که نظاره‌گر به آگاهی است، گرایش سنجش که به مطلوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که الزام‌ها و نبایدها را مشخص می‌کند. زمانی که ارگانیزم با فرهنگ تلاقی نماید، این گرایش‌های خام صورت می‌گیرد و سیستم فردی را به وجود می‌آورد و از این به بعد، سیستم شخصیتی، فرد را به سوی مقصود می‌راند و سبب رفتار اجتماعی می‌گردد. از ثمره کنش‌های اجتماعی، سیستم اجتماعی به وجود می‌آید که تبیین‌گر یگانگی، ارتباط، شراکت حقیقی اشخاص با هم و اتکا آن‌ها به یکدیگر خواهد بود و شخص در این سیستم اجتماعی خواهد شد. (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹)

فرهنگ از راه جامعه‌پذیری به علت‌ها منتقل می‌شود و به وسیله آن‌ها درونی خواهد شد و این علت مهمی در ترغیب عمل اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود. این عملکرد به‌طور عمده در خانواده و در سیستم آموزشی تمرکز یافته است. اگرچه رسانه‌های گروهی، اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی هم عملکرد و نقش آموزشی دارند. (توسلی، ۱۳۹۶: ۲۵۰)

همکاری افراد در مباحث سیاسی به عنوان یک کنش، در گام نخست محتاج کسب آگاهی، ایجاد دانش و فراگیری در خصوص ارزش و چگونگی آن می‌باشد؛ اما هر فردی که آگاهی اولیه‌ای در زمینه مشارکت سیاسی کسب نمود، ضرورتاً دست به این کار نخواهد زد، زیرا زنجیره افشا رفتاری مخصوص، مثل مشارکت سیاسی، قطعاً احتیاج به در نظر گرفتن مهارت‌هایی دارد که اشخاص دارا هستند و همچنین منابع در دسترس آن‌ها خواهد داشت.

در چارچوب نگرش مدرنیزاسیون، به عقیده هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی رویکردی از فرآیند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این فرایند از دو روش بر گستردگی مشارکت تأثیر خواهد گذاشت. اول از روش تحرک اجتماعی خواهد بود. کسب درجه‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانمندی را در شخص استحکام بخشیده و نظر او را نسبت به توانایی‌اش در اثر نهادن بر تصمیم‌گیری مطلوب می‌سازد. این نگاه‌ها، اساس شرکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را استوار می‌سازد. در این وضعیت، منزلت اجتماعی نهایتاً از مسیر اثری که بر احساس تسلط و یا بی‌قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت اثرگذار خواهد شد.

به عقیده هانتینگتون، از بین علت‌های منزلتی، مقدار تحصیلات شخص، زیادترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارا است. علت دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت شخص در اقسام دسته‌ها و بنیادهای اجتماعی مثل انجمن‌های شغلی و صنفی، دسته‌های مدافع، علایق خاص و ... است که گمان

مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را افزون‌تر می‌نماید. مورد دیگر این که میان گستردگی فرصت‌های فعالیت اجتماعی شخصی و مشارکت سیاسی در کوتاه‌مدت ارتباط معکوس وجود دارد و در صورتی که افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، جابجایی به حرفه پرمنزله‌تر یا کسب درآمد زیادتر به هدف‌های موردنظر خویش که همان اصلاح اوضاع اقتصادی و اجتماعی خویش است، دست یابند، به طور معمول از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی چشم‌پوشی می‌نمایند.

بر اساس نگرش کنش متقابل نمادین، ویژگی‌های اساسی کنش اجتماعی در «خود» اشخاص و درک‌های آن‌ها از کنش دیگران صورت خواهد گرفت. در قالب این نگرش، می‌توان از نظرات مید و کولی استفاده نمود. به عقیده مید، «خود» هر فرد، حاصل وجه نگرش جمع می‌باشد و هیچ‌گونه بازشناسی از خویش، بدون وجه نظر دیگری و جز در منظر جمع به دست نخواهد آمد. (توسلی، ۱۳۹۶: ۲۵۸)

در خانواده، والدین، ارزش‌ها و نگاه‌های سیاسی‌شان را از مسیر مناظره و گفتگو در خانه به فرزندانشان منتقل می‌کنند و به این شکل اشتیاق یا بی‌رغبتی خویش را نسبت به مسائل سیاسی تبیین می‌نمایند. مدارس، دوستان و همکلاسی‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی هم از روش عرضه اطلاعات و تشریح پیرامون دنیای سیاسی بر تعقل و کنش سیاسی اشخاص تأثیر می‌گذارند و شخص از لحاظ سیاسی آن‌گونه تفکر می‌نماید که از لحاظ اجتماعی در آن بسر می‌برد.

کولی عقیده دارد که رفتارهای شخص در زندگی روزانه ذیل تأثیر مجموعه‌هایی است که به آن‌ها وابستگی دارد و این تعلق خاطر گروهی است که طرز عکس‌العمل شخص در قبال مسائل سیاسی را مشخص می‌کند و در حقیقت عمل شخص در جواب به فشارها و انتظارات اجتماعی که از سوی دوستان و خانواده بر وی وارد می‌گردد، اتفاق می‌افتد. از این رو بر اساس چنین دیدگاهی، اشخاص آن‌گونه می‌اندیشند که در آن به سر می‌برند. در حقیقت، می‌توان اذعان کرد که شهروندان ماهیت خویش را در جریان ارتباط با دیگران به دست می‌آورند و از آنجا که عمل و گرایش اشخاص در خصوص خود، حاصل چیزی است که دیگران در خصوص شخص می‌اندیشند، گرایش‌ها و کنش‌های آشکار، همان چیزی است که از دیگران سود جسته و در جریان ارتباط و مراوده کسب می‌گردد. (همان: ۳۲۵)

۴. تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران

این دوره (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) را می‌توان به چند دوره (بر اساس نمونه‌ها) از نظر سیاسیون و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران از نظر رقابت سیاسی تقسیم کرد:

- دوره بین ۱۳۵۷-۱۳۶۰: در دوره کوتاه ۶۰-۱۳۵۷ به دلیل شرایط خاص سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشور، شاهد مشارکت و رقابت سیاسی بالا در عرصه‌های مختلف بودیم که قدرت استبدادی شاه را به زیر کشید. انقلاب و سرنگونی حکومت شاه طبیعتاً تغییراتی را در ساختار سیاسی کشور به دنبال داشت. ویژگی‌های مهم این تحولات (مثلاً احزاب) می‌توان آن را به‌عنوان کانال مهم شرکت کردن و رقابت سیاسی در عرصه عمل‌های انتخاباتی و پارلمانی شناسایی و مشاهده نمود

- دوره بین ۱۳۶۰-۱۳۷۰: در مجموع، این دوره (۷۶-۱۳۶۰) شاهد ظهور یک الیگارشسی نسبتاً بسته و محدود شدن مشارکت و رقابت سیاسی بود، در شرایطی که همکاری حکومت نوین اسلامی با حزب‌ها و دسته‌های سیاسی وارد دور نوینی شد. (میلانی، ۱۳۸۵: ۳۴-۴۲)

- بازه زمانی ۱۳۷۶-۱۳۸۲: اما در دوره بعدی (۸۲-۱۳۷۶) تأسیس نیروهای جدید سیاسی-اجتماعی (روشنفکران)، چالشی جدی میان گفتمان سستی و گفتار دموکراسی و اجتماع مدنی، به شکل گرفتن نهضت دوم خرداد انجامید، با استراتژی دموکراسی و پیشرفت سیاسی، سوگند خوردن رئیس‌جمهوری، توسعه کارهای جراید و انتشارات‌ها، پیشرفت ارتباط‌های آنلاین، بازگشتن عرصه‌های سیاسی و خیلی عوامل تأثیرگذار دیگر، توسعه سیاسی موقعیت مناسبی پیدا می‌کند. (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۴۰)

- بازه زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۲: پیروزی محمود احمدی‌نژاد در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ و خاستگاه اجتماعی و ویژگی‌های اخلاقی وی برای ناظران کشور و پژوهشگران خارجی امور سیاسی کاملاً غیرمنتظره بود. او در مبارزات انتخاباتی خود بیشتر به سیاست داخلی و اوضاع اقتصادی کشور و کمتر به سیاست خارجی پرداخت. در واقع، محمود احمدی‌نژاد در تلاش بود تا از سنت‌هایی که اسلام را به‌عنوان یک دین جهانی در کانون توجه قرار می‌دهد، الگوبرداری کند. بنابراین مفهوم سیاست خارجی متأثر از اندیشه‌های انقلاب اسلامی بود. (ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۴۹)

- ۱۳۹۲-۱۴۰۰: روابط با جهان، تنش‌زدایی و محافظه‌کاری گفتمان‌های غالب در سیاست جمهوری اسلامی از زمان انتخابات سال ۱۳۹۲ که در آن حسن روحانی به ریاست جمهوری رسید، بوده است. زمانی که حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی انتخاب شد، دولت او

رویکرد متفاوتی نسبت به گذشته در سیاست داشت.

- ۱۴۰۰ به بعد: که در این دوره شاهد مشارکت پایین هستیم.

۵. آینده‌پژوهی در وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در حال حاضر، دانش سیاسی از جمله علمی می‌باشد که کنشگران آن، نقد مهمی در بازشناسی خط‌مشی‌ها، اتخاذ خواست‌ها و حرکت برای رسیدن به آینده مناسب کشورها دارند. رسیدن به آینده مناسب یکی از بنیادی‌ترین ایده‌آل‌های عالمان دانش سیاست می‌باشد. انسان برای آنکه خردمندانه رفتار نماید، بایستی نسبت به عکس‌العمل‌ها کارهای خویش، دیگران و عکس‌العمل‌های آن‌ها و همچنین نسبت به قدرت‌هایی که خارج از نظارت اوست، بینش و آگاهی لازم داشته باشد؛ واکنش‌هایی که تنها در آینده خود را نشان خواهد داد. از این جهت، منظور از آینده‌پژوهی جستجو منظم و نظام‌دار آینده می‌باشد. یکی از حیطه‌های پراهمیت مطالعاتی آینده‌پژوهی، رهنمود اجتماع علمی به سوی فهم ارزش علوم سیاسی و نقش اساسی و بی‌مانند در پیشرفت علمی آینده و اثر آن بر اهداف راهبردی است. پرداختن به دوراندیشی و تفکر در مورد آینده علم سیاست و آسیب‌شناسی آن و همچنین تکاپو برای از میان برداشتن مانع‌ها و آسیب‌ها، و مهیاسازی فرصت‌های موجود به مقصود گسترش و تولید علوم سیاسی شایسته با تحول‌های آینده و احتیاج‌های بومی، حوزه مطالعاتی در آینده‌پژوهی سیاسی می‌باشد.

۵-۱- ضرورت توجه به مسئله آینده رقابت و مشارکت سیاسی در ایران

مختصات سنجی تهدیدات بالفعل، بالقوه و راهبردی امنیت ملی، در بازه زمانی ایران ۱۴۰۴، بیانگر برنامه‌ریزی راهبردی مخالفان نظام، برای کاربست هدفمند و زیربنایی «آفندهای تهاجم نرم چندبعدی» است که بیانات رهبر انقلاب، مبنی بر لزوم هوشیاری در برابر ناتوی فرهنگی یا تأکید ایشان در اصول ابلاغی برنامه مبنی بر ضرورت تدوین مهندسی فرهنگی، مصداقی از اهمیت هوشیاری متولیان امر، برای مهار آفندهای نرم‌افزاری امنیت ملی است. (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۰)

در همین رابطه ماهیت کاوی، رفتار سنجی و بررسی موضع‌گیری‌ها و قطعنامه‌های مخالفان نظام، طی چند سال اخیر، بیان‌گر جهت‌گیری بخشی از تهاجم نرم، به سمت تضعیف بنیان‌های مشروعیت نظام است. با توجه به اینکه در ساختار مطالعات آینده‌پژوهی، محوری‌ترین اصول مشروعیت سنجی، میزان حضور مردم در روند توسعه سیاسی و مشارکت‌های انتخابات است، پیش‌بینی می‌شود در سال‌های پیش رو، یکی از حوزه‌های تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و مخالفان نظام، دخالت

آشکار یا خزننده آنان در امور داخلی ایران به ویژه در مقاطع زمانی قبل، حین و پس از انتخابات باشد که به‌وضوح می‌توان، مصادیق عینی آن را در تحولات پس از سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مشاهده کرد.

برنامه‌ریزی مخالفان نظام برای شکل‌گیری حضور حداقلی در انتخابات به دلیل بهره‌گیری آنان از ابزار و محیط‌های مختلف متکثر است، به‌گونه‌ای از تمام ظرفیت‌های محیط‌های مجازی، مانند فضای سایبر (اینترنِت، پیام‌های کوتاه، بلوتوث)، ماهواره و ابزارهای دیپلماسی عمومی، مانند مطبوعات، سینما، توزیع لوح‌های فشرده و ترفندهای عملیات روانی، مانند شایعه‌سازی برای تضعیف مشارکت حداکثری استفاده می‌کنند. آینده از آن جهت متنوع است که شیوه و ابزار مهاجمان، همواره متناسب با بررسی آنان از نکات ضعف جمهوری اسلامی ایران، در حال تغییر است و از آن جهت فرابخشی است که می‌توان نوعی کار گروهی را میان ساختارهای اطلاعاتی، تقنینی و اجرایی بازیگران مخالف نظام، برای شکل‌گیری نارضایتی عمومی و حداقل رسانی حضور مردم در انتخابات مشاهده کرد. در نتیجه، سه عامل تکثر، تنوع و فرابخشی بودن آینده‌های تضعیف‌کننده مشارکت حداکثری ضرورت تدوین پدافند ملی راهبردی، مبتنی بر کار گروهی هدفمند، مدیریت پیش‌رویدادی، توجه به امنیت نرم‌افزاری و شناسایی موزاییکی تهدیدها را دوچندان می‌کند.

۵-۲- شناخت و اقدام برای تحقق خواسته‌ها در آینده جامعه

شناخت آینده و اقدام برای تحقق خواسته‌ها در آینده که از آن به نام آرزوها یاد می‌کنیم از اولین اولویت‌های فردی و اجتماعی است. شاید بیشترین تلاش ما در زمان حال برای رفع نگرانی‌های احتمالی در آینده و به وقوع پیوستن رخداد‌های دوست‌داشتنی ما در زمان‌های پیش‌رو باشد. در دانش آینده‌پژوهی شکل‌گیری آینده از تعامل سه مفهوم شناخته می‌شود:

- اولین مفهوم روندها می‌باشند، روندها به‌صورت کلان و خرد شناخته و بررسی می‌شوند و مانند تاروپود یک فرش اساس شکل‌گیری اتفاقات و تصاویر در آینده هستند و با شناسایی آن‌ها می‌توان از بسیاری از اتفاقات پیش‌رو آگاهی پیدا نمود و شکل‌گیری رخداد‌های پیش‌رو را به تصویر می‌کشند.

- دومین مفهوم رویدادها هستند. هیچ تجربه و سابقه‌ای از آن‌ها در گذشته به‌صورت واضح یافت نمی‌شود و به‌صورت یک‌باره رخ می‌دهند. مانند کرونا که در زمان کنونی به‌صورت یک رویداد بر بسیاری از شئون زندگی انسان‌ها تأثیرات شگرفی به‌جای گذاشته است.

- سومین مفهوم اقدام‌ها هستند اقدام‌ها و کنش‌ها و تلاش‌های ما در عمل مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری آینده هستند.

همه این مفاهیم روندها، رویدادها، تصاویر و اقدام‌ها زاینده انتخاب و تحت تأثیر کنش‌های انسان‌ها می‌باشند. یک انتخاب در اقدام یا انتخاب در هدف و یا انتخابی در یک استراتژی و در نهایت انتخاب چگونه اقدام کردن سبب شکل‌گیری آینده‌ها می‌شود که می‌تواند خوب، بد، دلخواه، خوش و یا ناخوش باشد. در زمان حال و آینده انتخاب به عنوان عاملی بسیار حساس در شکل بخشیدن آینده‌ای فردی و اجتماعی در پیش روی تمام ایرانیان قرار گرفته و خواهد گرفت. انتخاباتی مانند انتخابات ریاست جمهوری در حقیقت انتخاب یک حزب یا گروه و یا سلیقه فردی نیست؛ بلکه انتخابی در شکل‌گیری رویدادها و روندهایی هستند که می‌تواند مطلوبیت و کیفیت آینده پیش رو را به تصویر بکشد.

انتخابات اگر چه بیشتر از جنبه سیاسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد ولی مهم‌ترین وجه انتخابات ریاست جمهوری چه در زمان حال و چه در آینده، شکل بخشیدن به روندهای جدید و خلق رویدادهای نوین و تازه هست. اینکه چه نوع روند و رویدادی را برای خود رقم بزنیم با شناخت استراتژی‌ها و برنامه‌های نامزدهای ریاست جمهوری قابل مشاهده است.

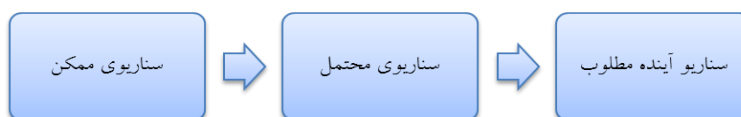
تجارب گذشته نشان می‌دهد که کدام سیاست‌ها چه تصویری را از آینده برای ما رقم خواهد زد. به طور مثال، نگاهی به تجربه مقاومت در مقابل رویکردهای مذاکره با غرب، اقتصاد مقاومتی و تولید ملی یا تکیه بر توان داخلی هرکدام نویدبخش تصویری از آینده‌هایی می‌باشند که در گذشته به صورت رخدادها مشاهده شده‌اند. بنابراین تعبیر انتخاب هوشمند که از بیانات راهبردی مقام معظم رهبری می‌باشد مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری آینده فردی و اجتماعی هر یک از ایرانی‌ها خواهد داشت.

۳-۵- آینده‌ای مطلوب در برابر جامعه مدنی نسبت به مشارکت سیاسی

به طور کلی می‌توانیم سه گونه گوناگون را برای جامعه مدنی در جمهوری اسلامی شناسایی نماییم:

- گونه تکنیکی و ابزاری؛ که می‌توانیم آن را در بنیادهای خیریه، بهداشتی و درمانی مشاهده کرد؛ این چهره از جامعه مدنی از سابقه تاریخی بهره‌مند است و پراهمیت‌ترین خصوصیت آن بی‌تفاوتی سیاسی و سیاست‌گریزی می‌باشد.

- گونه دوم از جامعه مدنی را می‌توان جامعه مدنی به‌منظور دستگاه زور و سلطه دانست. هدف در این جا، جامعه مدنی‌ای است که به وسیله موسسات و نهادهای دولتی ایجاد می‌گردد.
 - سومین گونه از جامعه مدنی، سستی و بسته می‌باشد و پس از آن وجه‌رهایی بخش جامعه مدنی به منظور یک نیروی اجتماعی و برآیند دگرگونی برای ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر برابری و بدون تبعیض و تندخویی نگاه می‌گردد. (مسعود، ۱۳۹۶: ۲۱۹)
- با دقت به این تیپولوژی از جامعه مدنی و اینکه جامعه مدنی مسیر خیلی دشوار و پر از آزمون و خطا را در دوران تاریخ گذرانده است، می‌توان بگوییم با التفات به محرک‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی رخ داده، بیشتر از هر دوران دیگری می‌توانیم به شکل‌گیری جامعه مدنی در جمهوری اسلامی امیدوار باشیم. جامعه مدنی هنگامی می‌تواند به عنوان یک کنشگر پراهمیت در زمینه سیاست و اجتماع باشد که از یک جامعه مدنی ناتوان به یک جامعه مدنی قوی مبدل گردد؛ یعنی از جامعه مدنی در خویش، مبدل به جامعه مدنی بر خویش شود، بدین معنا که از نقش و موقعیت خویش باخبر باشد. در این زمینه چند سناریو وجود دارد:



منبع (نگارنده)

- سناریوی ممکن: از جمله سناریوهای روشن شده در قبال جامعه مدنی که مقداری هم بدبینانه به نظر می‌رسد، امتداد اوضاع موجود است. در این وضعیت تنها نظاره‌گر جابجایی چند مهره بدون تحول در خط‌مشی‌ها خواهیم بود.
- سناریوی محتمل: با تجزیه و تحلیل جامعه و ساختار دولت در جمهوری اسلامی و با دقت به

وضعیت به وجود آمده، یکی دیگر از سناریوهای امکان‌پذیر در ایران شکل‌گیری یک دولت اقتدارگرای بوروکراتیک می‌باشد که تقدم نخست را بر پیشرفت اقتصادی قرار دهد و پیشرفت سیاسی و اجتماعی را به آینده منوط نماید.

- سناریو آینده مطلوب: به نظر می‌رسد با دقت به حاکم بودن فرهنگ سیاسی غیر مدنی در اجتماع ایران (البته تا مقدار زیادی) و با دقت به عنصر بینش دینی و شکل غیرقابل نفی دین علی‌الخصوص پس از بروز انقلاب اسلامی در ایران، نمی‌توان راحت از جانب آن عبور نمود.

با توجه به اینکه مذهب و بینش اسلامی تأثیر خیلی زیادی در جامعه ایران داراست؛ به نظر می‌رسد تحقق آرمان شکل‌گیری جامعه مدینه النبی که دارای مؤلفه‌های جامعه مدنی رهایی‌بخش از جمله تسلط قانون، حقوق شهروندی، برابری، پاسخگو بودن، اطمینان و ... می‌تواند به عنوان یک آینده قابل قبول، در قبال جامعه مدنی ایرانی جای گیرد.

۴-۵- راهبردهای آینده نگرانه در بحث مشارکت و رقابت سیاسی

بیان مطالب بخش‌های قبلی از مسئله آینده‌نگری نسبت به مشارکت و رقابت سیاسی در ایران حاکی از این مطلب است که نظام سلطه سعی بر این دارد تا به هر صورت ممکن نگاه شهروندان جامعه ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی را کم‌رنگ نماید و در برخی موارد (انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸) تأثیراتی را گذاشته است، اما بایستی راهبردهایی نسبت به آینده را در ادامه بیان نماییم که در مقابله با این تحولات به عنوان یک پادزهر عمل نماید:

۱- تقویت مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی: یکی از فرصت‌های مشارکت حداکثری در آینده انتخاباتی این است که نشان دهد، مردم اعتقاد دارند، می‌توانند مطالبات خود را در ساختار سیاسی موجود دنبال کنند که پشتوانه محکمی برای دولت یا مجلس، در پیگیری سیاست‌های راهبردی، هزینه ساز و عملیاتی کردن شعارهای انتخاباتی است.

۲- کاهش تعارضات خشونت‌آمیز: از جنبه‌های مثبت مشارکت افزایی در آینده رقابت سیاسی، فرصت سازی برای بیان عقاید متفاوت است و از لحاظ امنیتی، از انباشت مطالبات سیاسی نهفته، که ممکن است در اثر یک واقعه یا حادثه، به صورت دفعی و خشونت‌آمیز بروز کند، پیش‌گیری می‌کند؛ به عبارتی محرومیت بخشی از جامعه، از بیان عقاید خود می‌تواند، به واکنشی خشونت‌بار در رفتارهای سیاسی منجر شود، از این رو در مناطق دارای موزاییک‌های قومی فرقه‌ای، هرگونه برنامه‌ریزی برای مشارکت افزایی می‌تواند، تهدیدهای امنیتی ناشی از گسست‌های هویتی را کم‌رنگ

کند.

۳- همپوشانی آینده شعارهای انتخاباتی: با واقعیت‌های سیاسی و قوانین بالادستی: شعارها و محورهای تبلیغاتی کاندیداها باید با واقعیت‌های جامعه و قوانین بالادستی همپوشانی داشته و هم‌راستا باشد یا اینکه کاندیداهای انتخاباتی وعده‌هایی را ندهند که با وظایف مصرح در قانون اساسی همخوانی نداشته باشند، زیرا وعده‌های انتخاباتی غیرقابل اجرا، به دلیل افزایش حبابی سطح انتظارات جامعه و تحقق نیافتن آن‌ها پس از مدتی، به بی‌اعتمادی و مشروعیت زدایی نظام تصمیم‌گیری حاکمیت منجر می‌شود.

۴- هوشیاری متولیان دیپلماسی عمومی برای مهار آینده‌های مخرب آینده رقابت سیاسی: رسانه‌های بیگانه، با شبهه افکنی پیرامون سلامت انتخابات، از قبیل اتهام زنی مبنی بر مداخله نامحسوس حاکمیت یا ساختارهای نظامی در آرای انتخاباتی، یا از پیش مشخص بودن کاندیدای پیروز، برنامه‌ریزی می‌کنند تا بستر حضور حداقلی را فراهم کنند. از این‌رو متولیان دیپلماسی رسانه‌ای باید نقشه راه منسجمی را برای خنثی‌سازی این نوع از آینده‌های تبلیغاتی سازمان‌دهی کنند.

در شرایطی که کاربست آینده‌های تبلیغاتی، به ویژه با نزدیک شدن به زمان انتخابات، به یکی از ابزارهای تهاجم نرم تبدیل شد، متولیان دیپلماسی عمومی رسانه‌ای، نقش مهمی را در پیشگیری، خنثی‌سازی و مهار آسیب‌های احتمالی در آینده ایفا می‌کنند و شایسته است که ساختارهای نظام اطلاع‌رسانی کشور، مانند صداوسیما، مطبوعات و خبرگزاری‌ها، نقش دفاع بازدارنده را در برابر آینده‌های رسانه‌ای ایفا کنند.

۵- بسترسازی برای مشارکت افزایشی فعال در آینده انتخابات: گاهی مشارکت حداکثری به صورت منفعلانه است و رأی‌دهندگان، به دلیل نگرانی از پیامدهای منفی و آسیب‌های ناشی از پیروزی کاندیدایی مشخص در انتخابات شرکت می‌کنند که این نوع مشارکت، از شاخص‌های نوسازی توسعه سیاسی و ارتقادهنده ضرایب امنیت نرم کشور محسوب نمی‌شود. به همین دلیل، در ساختار مطالعات امنیت ملی، به حضور منفعلانه در انتخابات، «مشارکت حبابی» گفته می‌شود که خنثی‌سازی آن در آینده، مستلزم وجود تنوع افکار و برنامه کاندیداهای انتخاباتی، در چارچوب قانون اساسی است که می‌تواند، حضور انفعالی را به مشارکت فعال هوشمندانه تبدیل کرده و بالطبع، ضریب احتمال وقوع بحران نفوذ کشور را کم‌رنگ کند.



منبع (نگارنده)

۶. نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران از بعد از پیروزی خود همواره در بحث رقابتی و مشارکتی با فراز و نشیب‌های

زیادی مواجه بوده است، اما آنچه در تمامی این پستی‌وبلندی‌ها اهمیت بیشتری داشته است، حضور شهروندان جامعه در این رقابت‌ها بوده است. وجود مردم در پای صندوق رأی (به عنوان عاملی در جهت مشارکت) همواره پایه‌های ورود بیگانگان به کشور را سست نموده است، اما مخالفان در بیرون از کشور حتی ثانیه‌ای از تحرک دست برنداشته‌اند؛ و تمامی تلاش خود را در جهت ضربه به نظام خواهند نمود؛ به همین دلیل نگاه به آینده نوع رقابت و مشارکت در کشور بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت مشارکت افزایی در بحث رقابت‌های سیاسی، یکی از الزامات شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی، تحقق جامعه مدنی، توسعه سیاسی، مقبولیت سنجی تصمیم‌های استراتژیک نظام و از شاخص‌های مشروعیت سنجی ساختارهای حکومتی است که در اسناد بالادستی نیز به عمل‌گرایی و بسترسازی برای تحقق آن تأکید می‌باشد. آنچه که مسئولین جمهوری اسلامی نسبت به آینده موفق نظام، بایستی به آن توجه داشته باشند مسئله مشارکت حداکثری است و آینده این مشارکت بایستی به دور از شخصی‌نگری‌ها بررسی شود. عواملی چون اجتناب از نگاه مقطعی و ابزاری به مقوله مشارکت افزایی در انتخابات، بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های تبلیغاتی دیپلماسی عمومی (صداوسیما، مطبوعات، خبرگزاری‌ها و...)، رعایت الگوی مصرف در تبلیغات انتخاباتی، رعایت اصول اخلاقی، قانون‌مداری، اجتناب از حرمت‌شکنی و پرهیز از ملتهب کردن فضای سیاسی جامعه با نزدیک شدن به زمان انتخابات، آگاه‌سازی جامعه نسبت به فرصت‌های مشارکت حداکثری یا آسیب‌های حضور حداقلی برای امنیت ملی، هوشیار سازی جامعه با شیوه، ابزار و اهداف عملیات روانی مخالفان نظام، فیلترینگ وب سایت‌هایی که فعالیت خود را به سمت کمرنگ کردن حضور حداکثری مردم متمرکز کرده‌اند، انعکاس مناسب دستاوردهای انقلاب اسلامی، با هدف تقویت روحیه خودباوری جامعه و در نهایت، اجتناب از امنیتی شدن مطالبات اجتماعی، دانشجویی، فرهنگی و اقتصادی در آینده این رقابت‌ها و مشارکت‌ها که نتیجتاً به قوی شدن پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود امری ضروری است.

منابع

۱. اپتر. دیوید. (۱۳۷۸). "نظریه‌های تکثرگرا و گروه‌های اجتماعی". ترجمه میر قاسم بنی‌هاشمی. فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۴، ۱۱۷-۱۷۲.
۲. اخوان کاظمی، م و همکاران (۱۳۹۸). "آینده‌پژوهی توسعه سیاسی در ایران بر مبنای تحلیل بازدارنده‌ها". سیاست، دوره ۴۹، شماره ۳، ۵۸۷-۶۰۶.
۳. اسپریگز. ت. (۱۳۹۹). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگاه.
۴. ازغندی، ع.ر. (۱۳۹۴). چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: قومس.
۵. افتخاری. ا. (۱۳۸۰). درآمدی بر نسبت رقابت سیاسی با سرانه نامنی در رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. امیری. م و همکاران (۱۳۹۹)، "آینده پژوهی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت انتخاباتی جوانان در انتخابات ریاست جمهوری"، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، شماره ۴، ۷۹۶-۸۳۹.
۷. ایوبی. ح.ا. (۱۳۸۵). رقابت و ثبات سیاسی در رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. پای، ل. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. خواجه سروی. غ.ع. (۱۳۹۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر سمت.
۱۰. خواجه سروی. غ.ر. (۱۳۸۵). "چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران". دو فصلنامه دانش سیاسی. دوره ۲، شماره ۳، ۸۵-۱۱۶.
۱۱. خواجه سروی. غ.ر و همکاران (۱۴۰۰). "بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان؛ مورد مطالعه: مشارکت قوم ترکمن در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری". دوره ۱۰، شماره ۳۷، صفحه ۷۳-۱۱۲.
۱۲. دوروزه. م. (۱۳۹۶). بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: میزان.

۱۳. شمیرانی. ع.ر. (۱۳۸۷). رقابت و ثبات سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۴. شهرام‌نیا، س.ا.م (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نگاه معاصر.
۱۵. عبداللهی. م. (۱۳۸۳). "مسائل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران". مجله جامعه‌شناسی. دوره ۵، شماره ۲، ۵۸-۷۹
۱۶. مسعود. ز. (۱۳۹۶). "آینده‌پژوهی جامعه مدنی در ایران با تأکید بر روش تحلیل لایه‌لایه علت‌ها". علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۴۰، ۱۹۵-۲۲۵.
۱۷. مولایی، م و همکاران (۱۳۹۴)، "آینده پژوهی انتخابات ایران و تحولات قدرت در جامعه شبکه‌ای دستاوردهای دیده بانی شبکه‌های اجتماعی مجازی"، چشم انداز مدیریت دولتی، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۲۱-۱۳۲.
۱۸. میلانی، م. (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی: از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده. تهران: گام نو.

19. Bell, Wendell. (2003). Foundations of futures studies: What do we mean by futures studies? in Richard A. Slaughter. *New Thinking for a New Millennium*. London: Routledge.

20. Dator. James (ed). (2002). *Futures Studies in Higher education: Advancing Futures*, Wesport CT: Praeger.